# Legal Approaches to Protecting Children against Violence In Educational Environments

*Mohamad Mahdi Meghdadi[1], Mohamad Mahdi Badami[2]*

**Abstract**

Education as a fundamental right of children's human rights represents the development of human societies and the growth and excellence of children in today's societies. Undoubtedly educational environments in order to realize such a right should have a safe and desirable space to increase the mental health of children in learning the knowledge and realization of their education and upbringing. Hence, the phenomenon of violence in such environments has become increasingly evolving in spite of educational and corrective approaches to child behavior and discipline in the prevailing educational environment. in this study, by studying and explaining violence against children in educational settings based on the documents of the International Human Rights Law, as well as the Iranian legal system's standards regarding the right of children and their support, they are working to prevent and prevent the occurrence of such a phenomenon. Provided in educational environments.

**Keywords**

Children, Violence, Support, Educational Environment, Human Rights

**Please cite this article as:** Meghdadi MM, Badami MM. Legal Approaches to Protecting Children against Violence in Educational Environments. Child Rights J 2019; 1(2): 99-131.

1. Associate Professor, Faculty of Law, Mofid University, Qom, Iran. (Corresponding author) Email: meghdadi@mofidu.ac.ir

2. MA in Human Rights from Mofid University, Qom, Iran.

Original Article Received: 12 Febuary 2019 Accepted: 6 July 2019

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

# رهیافت‌های حقوقیِ حمایت از کودکان در برابر خشونت در محیط‌های آموزشی

محمدمهدی مقدادی[۱]

محمدمهدی بادامی[۲]

## چکیده

آموزش و پرورش به عنوان حقی اساسی از حقوق انسانی کودکان، نمایانگر توسعه جوامع انسانی و رشد و تعالی کودکان در جوامع امروزی می‌باشد. بی‌تردید محیط‌های آموزشی در راستای تحقق چنین حقی باید از فضایی امن و مطلوبی جهت افزایش سلامت روانی کودکان در فراگیری دانش و تحقق تربیت و پرورش آنان برخوردار باشد. لیکن با وجود رویکردهای تربیتی و اصلاح‌محور نسبت به رفتار کودکان و برقراری نظم و انضباط در فضای حاکم بر آموزش، پدیده خشونت در چنین محیط‌هایی به طور فزاینده‌ای گسترش پیدا نموده است. از این رو در این پژوهش، با بررسی و تبیین خشونت علیه کودکان در محیط‌های آموزشی بر اساس اسناد نظام بین‌الملل حقوق بشر و همچنین معیارهای نظام حقوقی ایران نسبت به حق کودکان و حمایت از آنان، راه‌کارهایی را در جهت مقابله و پیشگیری از بروز چنین پدیده‌ای در محیط‌های آموزشی ارائه گردیده است.

## واژگان کلیدی

کودکان، خشونت، حمایت، محیط آموزشی، حقوق بشر

---

۱. دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: meghdadi@mofidu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد حقوق بشر از دانشگاه مفید، قم، ایران

**نوع مقاله:** پژوهشی **تاریخ دریافت مقاله:** ۱۳۹۷/۱۱/۲۳ **تاریخ پذیرش مقاله:** ۱۳۹۸/۴/۱۵

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

**مقدمه**

پدیده خشونت علیه کودکان باتوجه به اسناد و شواهد بسیاری، گویای ظلم و بی‌مهری جامعه بشری به ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترین اقشار خود بوده است. بر اساس اطلاعات ارائه‌شده توسط بخش جمعیت سازمان ملل متحد سالانه به طور متوسط بین ۱۳۳ تا ۲۵۷ میلیون کودک در جهان شاهد خشونت هستند که بخشی از آن در محیط‌های آموزشی مشاهده می‌شود (۱). چه بسا در دنیای امروز اهمیت حیاتی آموزش و پرورش در توسعه جوامع انسانی و رشد و تعالی کودکان بر کسی پوشیده نبوده و به عنوان جایگاهی در راستای تحقق تربیت آموزش کودکان نقش مؤثری ایفا می‌کند، ولیکن بی‌تردید لازمه تحقق چنین حق اساسی برای کودکان، فراهم‌آوردن محیطی امن و عاری از هر گونه خشونتی است تا از این طریق کودک بتواند با پرورش قوای فکری خود بر مهارت‌های خویش افزوده و از سویی دیگر به عنوان انسانی کامل در راستای خدمت و سعادت جامعه خویش پرورش یابد، ولیکن امروزه در چنین محیط‌هایی به جهت رویکردها و تفکراتی مبنی بر اصلاح رفتار کودکان و برقراری نظم و انضباط در فضای حاکم بر آموزش کودکان تنبیه، مجازات و سایر اشکال خشونت به عنوان یک پدیده رایج و شایعی مبدل گشته است. چنین خشونت‌هایی در محیط‌های آموزشی در ابعاد مختلفی، همچون تنبیه جسمی و روانی، خشونت جنسی، غفلت و بی‌توجهی و به ویژه ادبیات آموزشی خشونت‌آمیز چه از جانب مربیان، معلمان و چه درکتب آموزشی و حتی از سویی دیگر در برخوردها و منازعات میان دانش‌آموزان صورت می‌پذیرد.

حال با وجود هر گونه رفتار خشن و بی‌رحمانه‌ای با کودکان، سعادت و بقای جوامع بشری در آینده را مورد تهدید قرار خواهد داد. از این رو ضرورت و اهمیت حمایت از کودکان و ریشه‌کن‌نمودن خشونت در مدارس به عنوان مرکز آموزش، تربیت و پروش کودکان، تلاشی در جهت احترام به حداقل حقوق بشری آنان، همچون حق بر حیات، حق بر سلامت و بهداشت و حق بر آموزش می‌باشد. با وجود اقدامات و تدابیر حمایتی مؤثر می‌توان از بروز خشونت علیه کودکان پیشگیری و مقابله نموده و بی‌شک فواید

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

بالقوه فراوانی برای دگرگونی و بهبود جوامع در پیش خواهد داشت، چنانکه کمیته ملی استرالیا برای مبارزه علیه خشونت بیان داشته است: «بزرگ‌ترین شانسی که برای پیشگیری از بروز خشونت در جامعه خواهیم داشت، پرورش کودکانی است که به کارگیری خشونت را به عنوان روشی برای حل مشکلات طرد کنند و به حق هر فرد برای رشد در محیطی امن و سالم باور داشته باشند» (۲)، چراکه اگر محیط‌های آموزشی در جوامع آکنده از الگوهای خشونت‌آمیز باشد، بی‌تردید چنین الگوهایی مروج خشونت در جوامع محلی و خانواده‌ها به شمار رفته و به نوبه خود نشان‌دهنده شرایط و دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر رویکردها، سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی و نحوه اجرای قوانین خواهد بود و جدای از آنکه سلامت جسمی و روانی کودکان را در آینده مورد تهدید خود قرار می‌دهد، به طور قطع زمینه‌های بزه‌کاری و افزایش جرائم را به عنوان مصادیقی از آسیب‌های اجتماعی در آن‌ها به وجود می‌آورد.

## گفتار اول: تبیین مفاهیم

### ۱ـ مروری بر مفهوم کودک

مفهوم کودک در علوم مختلف انسانی تعاریف متفاوتی دارد. حال عدم انطباق این تعاریف با یکدیگر و تأثیر آن در مقوله کاربردی عالم حقوق، آنجا که به حمایت از کودک برمی‌خیزیم، ایجاب می‌نماید که محدوده کودکی مطابق با واقعیات تبیین گردد، چراکه اهمیت دوران کودکی از آن جهت است که شخصیت انسان در این دوره پایه‌گذاری می‌شود (۳). از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در حوزه حقوق بشر نسبت به حقوق کودکان، پیمان‌نامه حقوق کودک است که از کودک تعریفی ارائه نموده می‌باشد. مطابق ماده ۱ این پیمان‌نامه «کودک به افراد زیر ۱۸ سال اطلاق می‌گردد، مگر این‌که طبق قانون قابل اجرا درباره کودک، سن بلوغ کم‌تر تشخیص داده شود» نکته‌ای که در ماده مزبور وجود دارد و باید به آن اشاره گردد، این است که این ماده صرفاً به پایان دوران کودکی اشاره می‌کند و درباره شروع این دوران بحثی نشده است (۴)، اما باید

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

دانست که به استناد آموزه‌های دینی از زمان بسته‌شدن نطفه و استقرار آن در رحم مادر تا زمانی که کودک به حد بلوغ وکبر برسد، کودک اطلاق می‌شود (۵). این مهم در میثاق حقوق کودک در اسلام مورد توجه قرار گرفته و در ماده ششم آن چنین مقرر شده است: کودک از زمانی‌که به صورت جنین در رحم مادر است یا در صورت فوت مادر خود از حق حیات برخوردار است، سقط جنین ممنوع است، مگر در صورت ضرورت ناشی از منافع مادر، جنین یا هر دوی ایشان.

تعریف کودک در اسناد دیگری نیز به چشم می‌خورد، به طوری که در بند پنجم از ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز درباره مجازات اعدام تصریح می‌کند: «حکم اعدام درباره جرایم ارتکابی اشخاص کم‌تر از هجده سال صادر نمی‌شود... .» همچنین در «ماده ۱ قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی مصوب ۱۹۶۲ ژنو»، «ماده ۲ کنوانسیون بدترین شکل کار کودک» و لفظ کودک به افرادی گفته می‌شود که سن آن‌ها کم‌تر از ۱۸ سال باشد. بر این اساس با توجه به اسناد بین‌المللی مذکور این اتفاق نظر وجود دارد که به افراد کم‌تر از ۱۸ سال کودک گفته می‌شود.

لازم به ذکر است که سن ۱۸ سال به عنوان محدوده سنی برای حمایت از اطفال و نوجوانان پذیرفته شده، از این رو در ماده ۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ مقرر شده است: کلیه اشخاصی که به سن هجده سال تمام هجری شمسی نرسیده‌اند، از حمایت‌های قانونی مذکور در این قانون بهره‌مند می‌شوند.

**۲ـ مفهوم محیط آموزشی**

در خصوص مفهوم محیط آموزشی (Learning Environment) گروهی بر این عقیده هستند که: « محیطی است که در آن کودکان از سال‌های اولیه رفتارها و الگوهای عاری از خشونت را در جهت پرورش استعداد، تفکرات انتقادی و همچنین در به دست‌آوردن مهارت‌های زندگی، توسعه روابط اجتماعی با همسالان خود را می‌آموزند» (۶).



[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

به هر روی مناسب است مفهوم محیط آموزشی را به طور ملموس و آشکار و با رویکردی جامع‌گرایانه، به مکانی در جهت آموزش، یادگیری و پرورش رفتار، پرورش قوای فکری و اعتلای مهارت‌های زندگی برای کودکان عنوان نمود.

**۳ـ مفهوم خشونت علیه کودکان**

خشونت یک واژه تخصصی و اصطلاحی جدید نیست تا تبیین مفهوم آن نیازمند کارشناسی و مطالعات ویژه باشد؛ خشونت معمولاً با پرخاشگری همراه است. با این حال مفهوم خشونت در گزارش جهانی خشونت و سلامت این‌گونه بیان شده است: «استفاده عمدی از قدرت و یا نیروی فیزیکی، تهدید توسط یک فرد یا گروه که یا به صورت عملی به سلامتی، حیات رشد و همچنین عزت نفس [کودک] و یا به صورت بالفعل و بالقوه صدمه بزند و همچنین احتمال ایجاد صدمات بعدی را افزایش دهد» (۷). به نظر می‌رسد این تعریف می‌توانست گسترده‌تر باشد تا شکل‌های خشونت جمعی، تأثیرات فقر، بهره‌کشی از کودکان، فقدان مراقبت‌های بهداشتی و آموزشی کافی و قصور غیر عمدی دولت، والدین و دیگران را هم دربر بگیرد. با این وجود در این تعریف آزار جنسی و بهره‌کشی را هم نیز شامل می‌شود، زیرا با این‌که لازمه آن‌ها خشونت یا زورگویی نمی‌باشد (چنانکه در تعاریف بسیاری از کشورها این مورد گنجانده شده است)، ولی طبق اکثریت قریب به اتفاق شواهد، سوءاستفاده و بهره‌کشی هم خود موجب بروز خشونت و آسیب می‌شود. همچنین درگیری کودکان در منازعات مسلحانه و تأثیرات آن بر کودکان با شکل‌هایی از خشونت همراه می‌باشد (۸). بنابراین باید به این نکته اشاره نمود که در تعریف خشونت علیه کودکان صرفاً اصطلاح کودک آزاری مد نظر نمی‌باشد، بلکه همانطور که در نظریه تفسیری شماره سیزده کمیته حقوق کودک هم به آن اشاره شده است، در تعریف خشونت باید تمام اشکال شامل خشونت جسمی، روانی، جنسی، غفلت، بدرفتاری را مد نظر قرار داد (۹).

ماده ۱۹ پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹ بر ممنوعیت هر گونه بدرفتاری و خشونت از جمله تنبیه بدنی علیه کودک، توسط والدین و مربیان تأکید و مقرر می‌نماید: ۱ـ دولت‌های عضو، همه اقدامات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی



[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

لازم را به عمل خواهند آورد تا از کودک در برابر تمام اشکال خشونت جسمی یا روحی، صدمه یا سوءاستفاده، بی‌توجهی یا سهل‌انگاری، بدرفتاری یا بهره‌کشی جنسی در حین مراقبت والد (والدین)، سرپرست (یا سرپرستان قانونی) یا هر شخصی که عهده‌دار مراقبت کودک است، محافظت نمایند.

اما از دیدگاه فقه اسلامی، باید اذعان داشت که اسلام به کودکان و مسائل آنان توجهی جامع دارد و برای آن‌ها جایگاه ارزنده‌ای قائل است. اسلام کودک را نعمت و امانت الهی دانسته است. در اسلام کودکان مانند دیگر آدمیان از شخصیت، کرامت و حیثیت انسانی برخوردارند و در برخورد شایسته و رفتار انسانی با آنان سفارش شده است. خداوند در سوره فجر آیات ۲ الی ۱۷ در قرآن کریم کسانی را که کودکان را مورد تکریم قرار نمی‌دهند، سرزنش کرده است. همچنین پیامبر (ص) فرموده‌اند: فرزندانتان را گرامی بدارید و به شایستگی تربیت کنید تا مورد مغفرت قرار بگیرید (۱۰).

در این آیین مقدس سفارش‌های بسیاری در رعایت حال اطفال و مهرورزی و عطوفت نسبت به آن‌ها وارد شده است. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: به بزرگسالان خود احترام و به کودکان ترحم و عطوفت نمایید (۵). همچنین در تعالیم اسلامی برای رفق و مدارا با کودکان و آسان‌گرفتن کارها در مورد آنان و نیز تغافل، عفو و گذشت از خطاهایشان توصیه‌های زیادی آمده است. به عنوان نمونه از پیامبر اعظم (ص) نقل است که فرمودند: خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را به خیر و نیکی راهنمایی و مساعدت کند و آن این است که بر او آسان گیرد و از سختی و خطای او درگذرد و او را مورد آزار و اذیت قرار ندهد (۱۰).

بر اساس آموزه‌ها و مقررات اسلامی کودکان فاقد مسؤولیت کیفری‌اند و ایراد کیفر و خشونت بر آن‌ها ممنوع است، زیرا آنان تکلیف ندارند و از این رو نمی‌توانند مؤاخذه و مجازات شوند. به موجب حدیثی مشهور از امیرالمؤمنین امام علی (ع) نقل شده است که فرمودند: قلم تکلیف و مؤاخذه از کودک برداشته شده است تا زمانی که به حد بلوغ برسد (۱۰) و هم از ایشان و امام صادق (ع) روایت گردیده که عمد کودک در حکم خطاست (۱۰). از این رو قابل بازخواست و مجازات نیست.



[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

کودکان در سنین پایین فاقد توانایی درک و تمیز خیر و شر می‌باشند و در سنین بالاتر هم قوه درک آنان کامل نشده است. بنابراین آنان نیازمند هدایت و اصلاح‌اند و نه مؤاخذه و کیفر، به همین جهت هر گونه برخورد و بدرفتاری به عنوان مجازات‌دادن و بدون در نظرگرفتن وضعیت درک و فهم اطفال، ناپسند و بلکه ظلم و اجحاف به آنان تلقی می‌گردد (۱۱). بدین‌ترتیب اصل و قاعده کلی بر منع برخورد و بدرفتاری با کودکان است.

روایات متعددی هم از ائمه معصومین (ع) وارد شده است که زدن کودک را منع کرده است که در این مجال به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

از امام کاظم (ع) نیز روایت شده که به یکی از یاران خویش که از رفتار ناپسند فرزندش گلایه می‌کرد، فرمود: «به هیچ روی او را نزن، بلکه با او قهر کن و این قهر هم چندان طول نکشد» (۱۲). حضرت امام رضا (ع) به پدری که از رفتار بد فرزندش شکوه می‌کرد و می‌گفت گاه خشمگین می‌شوم و او را کتک می‌زنم، فرمود: «او را نزن، بلکه هدایت کن» (۱۳).

بنابراین ملاحظه می‌گردد که بر مبنای دستورات و تعالیم اسلامی، برخورد با کودکان باید بر پایه مهر و عطوفت و رعایت مصلحت آنان باشد و اعمال مجازات و هر گونه اقدام خشونت‌آمیز علیه آنان ممنوع است.



**گفتار دوم: انواع خشونت علیه کودکان در محیط‌های آموزشی**

در این مبحث به تبیین و بررسی اقسام و محتوای خشونت در محیط‌های آموزشی از سوی معلمان، مربیان و حتی کودکان پرداخته شده است. در این قسمت با تفکیک‌نمودن اقسام خشونت و میزان اهمیت آنان ابتدا به بررسی تنبیه جسمانی، روانی، جنسی و سپس زروگویی، نزاع و در آخر خشونت در ادبیات آموزشی و حمل سلاح در مدارس خواهیم پرداخت.

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

**۱ـ خشونت جسمانی کودک در محیط‌های آموزشی**

از جمله مهم‌ترین خشونت جسمانی علیه کودکان در محیط‌های آموزشی تنبیه کودک می‌باشد. تنبیه (Punishment) در لغت به معنای «آگاهانیدن، واقف‌گردانیدن به چیزی و هوشیارکردن» آمده است و در اصطلاح «به عملی گفته می‌شود که لازمه آن آگاه و هوشیارکردن باشد» که چنین تعریفی معنای عام تنبیه به شمار می‌رود (۱۴).

کمیته حقوق کودک در تفسیر عمومی خود در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۶، تنبیه «بدنی» و یا «جسمی» را این چنین بیان می‌کند: «تنبیه جسمی به هر گونه اقدام فیزیکی و جسمی با هدف ایجاد درد و ناراحتی حتی در میزان خفیف اطلاق می‌گردد.» همچنین این کمیته بیان می‌دارد که اکثر تنبیهات بدنی بر این اساس در محیط‌های آموزشی به صورت کتک‌زدن که شامل: «زدن با کف دست، سیلی‌زدن، زدن با دست به پشت کودکان با دست یا وسیله دیگری انجام می‌شود.» در این تعریف، کمیته حقوق کودک مواردی دیگری همچون «لگدزدن، تکان‌دادن، پرت‌کردن کودکان، خراشیدن، نیشگون‌گرفتن، گازگرفتن، کشیدن مو و یا گوش‌ها، حتی وادارکردن کودک به ایستادن در حالت نامعمول و ناراحت‌کننده، مجبورکردن کودک به شستن دهان با صابون و یا بلع ادویه تند» اشاره می‌کند (۱۵). در تعریف دیگری تنبیه بدنی «استفاده از نیروی فیزیکی، برای اصلاح یا کنترل رفتار کودک با هدف و قصد این‌که کودک درد را تجربه کند، ولیکن هیچ گونه صدمه‌ای نبیند» (۱۶). با توجه به تعاریف مذکور به نظر می‌رسد تعریف کمیته حقوق کودک تعریفی جامع و فراگیری می‌باشد که تمام ابعاد تبیه جسمانی کودکان را با استفاده از هر وسیله‌ای در محیط‌های آموزشی بیان می‌کند. با این وجود تقریباً در سراسر جهان، در بعضی از کشورها تنبیه بدنی کودکان و حتی کتک‌زدن آن‌ها با کمربند و چوب به عنوان یک روش انضباطی در مدارس رایج بوده و حتی قانون هم آن را مورد حمایت قرار می‌دهد (۸).



[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

**۲ـ خشونت روانی کودک در محیط‌های آموزشی**

یکی دیگر از اقسام خشونت روانی در محیط‌های آموزشی، تنبیه روانی می‌باشد. اصطلاح تنبیه روانی (Psychological Punishment) به تعابیر گوناگونی همچون آزار عاطفی، خشونت ذهنی یا روانی تعبیر می‌شود. با وجود چنین تعابیری، عده‌ای مفهوم این پدیده را چنین بیان می‌کنند: «رفتارهایی که نسبت به کودک صورت می‌گیرد و منجر به ورود آسیب به سلامت روحی، روانی و اخلاقی او می‌گردد یا احتمال بروز چنین آسیب‌هایی را ایجاد می‌نماید» همچنین سازمان بهداشت جهانی در گزارش خود «آزار عاطفی کودکان را شامل اعمالی می‌داند که اثر منفی بر سلامت عاطفی و رشد فکری کودکان می‌گذارد.» همچنین بیان می‌دارد که چنین اعمالی شامل تحقیر، تهدید و ارعاب، تبعیض، طرد کودکان و محرومیت از تحصیل می‌شود (۱۷).

از جمله مصادیق دیگر در خشونت روانی در محیط‌های آموزشی خشونت در محتوا و ادبیات کتب آموزشی می‌باشد. محتوای آموزشی به عنوان یکی از عناصر مهم در فرایند مفاهیم آموزشی می‌باشد. منظور از محتوای آموزشی، هر گونه پیام کتبی، اعم از تصویری و نوشتاری و یا ترکیبی از آن‌ها می‌باشد که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر افکار، ارزش‌ها و مهارت‌های مخاطب تأثیر می‌گذارد (۱۸). با توجه به اهمیت محتوای درسی کتب آموزشی کودکان کمیته حقوق کودک در نظریه تفسیری خود به این نکته اشاره می‌کند که «برنامه‌های درسی مدارس باید مطابق با اصل برابری جنسیتی تدوین شود و محتوای چنین کتب آموزشی باید عاری از هر گونه رویکردهای نژادپرستی، بیگانه‌ستزی و مصادیق دیگری از خشونت باشد (۱۸).

**۳ـ سوءاستفاده جنسی از کودکان در محیط‌های آموزشی**

اگرچه درباره خشونت جنسی علیه کودکان یا به تعبیری «کودک‌آزاری جنسی (Child Sexual Abuse)» بنا به گزارش جهانی خشونت و سلامت، تعریف کامل، جامع و بین‌المللی ارائه نشده است (۱۷)، ولیکن گروهی از محققان این نوع خشونت را «درگیرنمودن کودک در فعالیت جنسی که وی به طور کامل آن را درک نمی‌کند یا

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

ناتوان از ابراز رضایت آگاهانه نسبت به آن است یا کودک برای انجام آن به لحاظ رشدی آماده نیست» تعبیر می‌کنند (۱۹). با این تعابیر بی‌تردید سوءاستفاده جنسی در محیط‌های آموزشی نسبت به کودکان به عنوان یک خشونت محسوب می‌شود، چراکه بی‌تردید تازمانی که کودک در محیط آموزشی تحت سرپرستی و مراقبت از سوی مسؤولین قرار گرفته باشد، نمی‌توان به رشد و آگاهی عقلی وی در این زمینه تأکید نمود. بر این اساس هر نوع سوءاستفاده‌ای با هر انگیزه‌ای نسبت به کودکان در چنین محیط‌هایی به عنوان «خشونت جنسی» از آن یاد می‌گردد. این موضوع با وجود آنکه در ماده ۳۴ پیمان‌نامه حقوق کودک به تفصیل بیان شده است که بیان می‌دارد «دولت‌های عضو متعهد شده‌اند که کودکان را در برابر همه اشکال بهره‌کشی جنسی و سوءاستفاده جنسی محافظت کنند.» با توجه به تأکید بر جنبه‌های جهانی سوءاستفاده جنسی از کودکان، در سال‌های اخیر بروز این پدیده در محیط‌های آموزشی به طور فزاینده‌ای شایع شده است، اگرچه در اکثر گزارشات جهانی، دختران را در محیط‌های آموزشی قربانی این پدیده می‌دانند، ولیکن در تحقیقاتی که در بررسی علل فرار از مدارس و بروز رفتارهای خشونت‌آمیز نسبت به دانش آموزان پسر، توسط سازمان بهداشت جهانی صورت گرفته است، حاکی از اعمال خشونت‌های جنسی بر پسران هم در محیط‌های آموزشی می‌باشد (۱۷).



**۴ـ زورگویی در محیط‌های آموزشی**

زورگویی یا قلدری (Bullying) به عنوان مصداقی از خشونت علیه کودکان پدیده‌ای رایجی است که به طور معمول، در تمام مراکز و محیط‌های آموزشی رخ می‌دهد. در باب مفهوم این پدیده می‌توان بیان داشت که زورگویی عبارت است از: «رفتارهایی که به صورت آزار و اذیت، صدمه جسمانی، روانی و زیان‌های مالی (آسیب‌رسانیدن به لباس و وسایل شخصی و مدرسه‌ای)، توسط دانش‌آموز یا دانش‌آموزانی نسبت به یک یا چند دانش‌آموز دیگر در مدرسه یا خارج از مدرسه صورت می‌پذیرد» (۲۰).

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

**۵ـ نزاع در محیط‌های آموزشی**

نزاع و یا درگیری (Fights or Conflicts)، اگرچه یک امر بدیهی و شایع در مدارس و محیط‌های آموزشی می‌باشد، ولی می‌تواند به عنوان مواردی از خشونت علیه کودکان در چنین محیط‌هایی محسوب گردد. چنین مفهومی با این‌که معنای جامع و روشنی ندارد، ولی با این وجود از این اصطلاح به معنای «مبارزه‌ای خشونت‌آمیز و هدفمند در جهت تضعیف، ایجاد سلطه بر طرف مقابل و حتی در قالب واکنش دفاعی» یاد شده است. در نگاه گزارشگر گزارش جهانی خشونت علیه کودکان، دعوا یا (مبارزه) به طور کلی شامل درگیری بین دو یا چند نفر است که می‌تواند همراه با سلاح و یا بدون سلاح صورت بگیرد. چنین حمله و تعرض جسمی به طور معمول در اثر احساس عصبانیت یا حسادت و حتی احساس سرخوردگی و تحقیر در محیط‌های آموزشی صورت می‌پذیرد (۲۱).

**۶ـ حمل سلاح**

در مقررات ایران مفهوم سلاح به روشنی بیان نشده و صرفاً به مصادیقی از آن بسنده شده است (۲۲)، البته در ماده ۲ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات آمده است: مقصود از سلاح و مهمات در این قانون انواع سلاح‌های گرم و سرد جنگی و شکاری اعم از گلوله‌زنی و غیر گلوله‌زنی و مهمات مربوط به آن‌ها است که تعریفی محدود و خاص تلقی می‌شود. به هر روی، عده‌ای بر این عقیده هستند که سلاح چیزی است که برای جنگیدن و نزاع به کار می‌رود و معنی آن از زمان و مکانی به زمان دیگری تغییر می‌یابد (۲۳). در تعریف دیگری بیان شده است که سلاح ابزاری است که در آن به جهت آسیب‌رساندن به موجودات زنده و سازه‌ها استفاده می‌شود. بر این اساس حمل سلاح به عنوان نوع دیگری از بروز خشونت در مدارس، پدیده‌ای می‌باشد که توسط خود کودک بروز پیدا کرده و تهدیدکننده امنیت و سلامت کودکان دیگر و حتی معلمان و مسؤولین مدارس خواهد بود. با توجه به تعاریفی که از سلاح اشاره شد، به نظر می‌رسد کودکان علاوه بر استفاده از سلاح

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

گرم، از ابزاری همچون چاقو، قمه، پنجه بکس و حتی مداد، خودکار و هر ابزار تیز و برنده‌ای به عنوان سلاح سرد استفاده کنند.

## راه‌کارهای پیشگیری و مقابله با خشونت در ترویج حمایت از کودکان در محیط‌های آموزشی

در این قسمت با الهام‌گیری از چنین مقررات و موازین فقهی، راه‌کارها و پیشنهادهایی در راستای پیشگیری، تضمین مصونیت و حمایت‌های هرچه مؤثرتر از کودکان در محیط‌های آموزشی مطرح شده است، لیکن همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، بخش قابل توجهی از آزارهای جسمی و روانی در محیط‌های آموزشی که از سوی معلمان، مربیان و آموزشگران صورت می‌گیرند، ناشی از پندارهای ناروای فاقد پایه و مستنداند. از این رو لازم است با بازپژوهی درست ریشه‌ها و مستندات آن، توجیه و تبیین مطلوب ارائه گردد و زنگارهای نادرست زدوده شوند.

مهم‌ترین مسأله فراروی ما در این خصوص، دیدگاه‌های فقهی مطرح‌شده مبنی بر جواز تنبیه کودکان توسط معلمان است؛ بسیاری از فقیهان بر این باورند که در دیدگاه فقه اسلامی تنبیه بدنی کودک توسط معلم و مربی جایز است، از این رو ضمن بیان مستندی برای آن، با قاطعیت از این نظر طرفداری نموده‌اند. فقهای اهل سنت نیز تنبیه بدنی کودک توسط معلم را پذیرفته و بدان فتوا داده‌اند، البته برخی هم طی شرایطی از جمله ناموفق‌بودن مراحل دیگر تربیتی در سن خاص این اقدام را جایز دانسته‌اند (۲۴).

مرحوم شیخ طوسی نیز در این‌باره ادعای اجماع کرده و چنین نگاشته است: «به اجماع فقها جایز است که معلم کودک را تأدیب نماید» (۲۵). در توجیه این نظر، به ادله متعددی استناد شده است که بدین قرار می‌باشد:

**۱ـ روایت نقل‌شده از امام صادق (ع)**

در حدیث معتبری سکونی از حضرت امام صادق (ع) نقل کرده که ایشان از جد بزرگوارش امیرالمؤمنین (ع) نقل می‌کند که خطاب به کودکانی که نوشته‌های خود را



[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

نزد آن حضرت آورده بودند تا بهترین را برگزینند، فرمود: «به معلمتان ابلاغ کنید که اگر بیش از سه ضربه شلاق بزند، قصاص خواهد شد» (۱۰).

در استناد به این روایت آورده‌اندکه امام (ع) جواز تأدیب و تنبیه بدنی کودکان را به وسیله معلم، امری مسلم دانسته و تنها در مورد میزان آن اظهار نظر فرموده است، از این رو دانسته می‌شود که اولیای مدرسه از حق تنبیه بدنی دانش‌آموزان برخوردارند (۲۶).

**۲ـ عمومیت قاعده احسان**

برخی در توجیه جواز تنبیه بدنی توسط معلم به فراگیری قاعده احسان استناد کرده و گفته‌اند: «تأدیب طفل و جلوگیری او از ارتکاب اعمال ناشایست و غیر اخلاقی، احسان و کمک به وی در جهت کسب نیکی‌ها به حساب می‌آید و اطلاق آیات ۹۱ سوره توبه و آیه ۲ سوره مائده «ما علی المحسنین من سبیل» و «تعاونوا علی البر و التقوی» آن را شامل می‌شود (۲۷).

**۳ـ اجماع فقیهان**

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، مرحوم شیخ طوسی ادعای اجماع کرده که معلم می‌تواند کودکان را تأدیب (تنبیه بدنی) کند. بدین‌سان تنبیه کودک توسط معلم مشروع انگاشته شده و حتی برخی به استناد به این ادله از «ولایت معلم بر تأدیب» سخن گفته‌اند (۲۵)، در حالی که به نظر می‌رسد بررسی دقیق اصل و مبانی مسأله چنین نتیجه‌ای را به دست نمی‌دهد، چه این‌که اصل عدم ولایت کسی بر دیگری است. حاکمیت از آن خداست و هیچ انسانی بر انسان دیگر سلطه و حاکمیت ندارد، مگر این‌که دلیل معتبری (هم چون ولایت قهری پدر) از جانب خداوند بر آن اقامه شود. بی‌گمان ادله ذکرشده به هیچ روی دلالتی بر وجود ولایت تأدیب برای معلم ندارد و نهایت ممکن است در مقام رواداشتن اقتدار و اختیاری محدود باشد. از سوی دیگر با توجه به مستندات قاطع و متعدد، مسلم است که اصل و قاعده اولی در اسلام پیرامون



[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

تنبیه بدنی کودکان، نارواییی و منع است و ارتکاب آن بدون مجوز شرعی، مصداق ظلم و آزار به دیگران می‌باشد.

به فرموده قرآن کریم در سوره نحل آیه ۹۰ «ان الله یأمر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی یعظکم لعلکم تذکرون؛ همانا خداوند به عدل و نیکی‌کردن فرمان می‌دهد و به بخشش به خویشان امر می‌کند و از کردار ناشایست و زشت و ظلم نهی می‌نماید. شما را پندار می‌دهد، باشد که موعظه خدا را بپذیرید» و در حدیث است که عمد کودک در حکم خطاست (۱۰) و قابل بازخواست و مجازات نیست و نیز امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده است که قلم تکلیف و مؤاخذه از کودک برداشته شده تا زمانی که به حد بلوغ برسد (۱۲).



اما ادله یادشده (روایت سکونی، دلیل احسان و اجماع) نیز به روشنی قابل خدشه و انتقاد است، زیرا اولاً تنها روایتی که برای جواز تأدیب کودک توسط معلم ذکر شده، همان روایت سکونی از نوفلی است که هم از نظر سند و هم از جهت دلالت دارای اشکال است، از نظر سند مرحوم مقدس اردبیلی حکم به ضعف سکونی (راوی این روایت) کرده است (۲۸) و در جای دیگر هم سکونی و هم نوفلی را ضعیف دانسته است (۲۸). مرحوم محقق حلی و شهید ثانی نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند.

دلالت روایت یادشده نیز مخدوش است، زیرا مضمونی مطلق دارد و معلوم نیست که در مقام ایجاد یا تأیید حق معلم بر تأدیب باشد، بلکه چه بسا در مقام دادن اذن تأدیب و تنبیه از سوی پدر (ولی) به معلم باشد. به همین جهت مرحوم آیتا... فاضل لنکرانی پس از بیان روایت فوق، نگاشته است: دلیلی برای یکسان‌بودن معلم با پدر در حکم تأدیب نیست (۲۹)؛ ثانیاً استناد به عمومیت قاعده احسان نیز مخدوش است، زیرا همان‌گونه که معروف است قاعده احسان در مقام رفع مسؤولیت از نیکوکار است و نه این‌که حق دست‌یازی و تنبیه بدنی را برای چنین شخصی ثابت کند؛ ثالثاً اجماع ذکرشده نیز با وجود مخالفین قابل پذیرش نیست و اگر ثابت هم باشد به دلیل مدرکی‌بودن (وجود روایت سکونی) بی‌اعتبار خواهد بود.

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

بدین‌ترتیب دلیل معتبری برای روا انگاری تنبیه بدنی کودک توسط معلمان، مربیان و اولیای مدرسه وجود ندارد و طبق اصل و قاعده کلی باید به نارواییِ این عمل قائل شویم، هم‌چنانکه یکی از فقهیان معاصر با تحلیل شایسته از مبانی مسأله، چنین اظهار کرده است: «معلم در تأدیب (تنبیه بدنی) استقلال ندارد، بلکه به اذن ولی طفل احتیاج دارد، زیرا اگرچه ممکن است معلم از تأدیب، قصد خیر و ارتقای طفل را در نظر داشته باشد، اما چه بسا پدر این‌گونه نیندیشد و راضی نباشد که فرزندش را کتک بزنند تا علم را فرا گیرد.

افزون بر این، همان‌گونه پیش‌تر بیان شد، آموزه‌ها و روایات فراوان دیگری وجود دارد که با وجود آن‌ها حتی در روابودن تنبیه بدنی توسط والدین یا ولی طفل تردید می‌شود. در سیره مبارک پیامبر و ائمه معصومین (ع) هیچ گونه تقریر و سندی از تنبیه بدنی نیست و حتی از آن منع کرده‌اند.

در روایتی انس بن مالک می‌گوید: «۹ سال در خدمت پیامبر اکرم (ص) بودم، ولی هرگز مرا توبیخ نکرد و تنبیه بدنی ننمود» (۳۰). همچنین امام کاظم (ع) از پدران بزرگوارش (ع) از رسول خدا نقل کرده‌اند که معلم باید در تعلیم و تربیت مدارا کرده و سختگیری و خشونت روا ندارد. همانا معلم دانشمند بهتر از معلم سختگیر است (۱۲).

**۴ـ راه‌کارهای قانونگذاری و تدوین سیاست‌های آموزشی مبتنی بر حقوق کودک در محیط‌های آموزشی**

پیمان‌نامه‌های بین‌المللی، توافقات منطقه‌ای و قوانین ملی و داخلی کشورها که به تنبیه بدنی و سایر انواع خشونت مربوط می‌شوند، گامی اساسی در زمینه حرکت به سوی مدارسی عاری از خشونت هستند و با توجه به نتیجه مطالعات مطرح‌شده در گزارشات خشونت علیه کودکان این راه‌کار به عنوان یک حمایت مؤثر و پاسخ‌دهنده مطرح شده است، چراکه به نظر می‌رسد رویکردهای قانونگذاری بنا به شرایط زمانی و مکانی قابل تغییر بوده و می‌تواند با تبیین سیاست‌ها و الزامات قانونی، قواعد حمایتی همراه ضمانت اجرای مؤثری در راستای محو خشونت در محیط‌های آموزشی ارائه کند،

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

اگرچه تجربیات موجود حاکی از این است که بسیاری از کشورها در زمینه اجرا و جامه عمل پوشاندن به تعهدات و الزامات بین‌المللی و منطقه‌ای و همچنین اجرای قوانین داخلی خود بسیار کند عمل می‌کنند.

**۱-۴- قانونگذاری و تدوین سیاست‌های قانونی:** همان‌گونه که در فصل اول این پژوهش اشاره شد، با توجه به گزارش سازمان سلامت جهانی، ایران از جمله کشورهایی می‌باشد که این پدیده را به طور قانونی مستقل و مستقیم نسبت مصادیق احصاشده خشونت در محیط‌های آموزشی جرم‌انگاری ننموده و صرفاً به آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های درون سازمانی اکتفا نموده است. بنابراین با توجه به اهمیت و ضرورت این امر، تدوین سیاست‌های قانونی نسبت به این پدیده توسط مجلس قانونگذار در جهت جرم‌انگاری و ممنوعیت هر گونه تنبیه و مجازات کودکان در تمام محیط‌های آموزشی می‌تواند ساز و کارهایی به منظور نظارت و تنظیم دستورالعمل‌های رفتاری پیش‌بینی نماید. همچنین مجلس قانونگذار می‌تواند مجموعه قواعد رفتاری تدوین نماید که بر طبق آن مدیران و معلمان در خصوص احترام به کرامت انسانی و حفظ حریم خصوصی کودکان دارای مسؤولیت باشند، البته در جهت تأثیرگذاربودن چنین سیاست‌های پیشگیرانه‌ای توصیه می‌گردد:

ـ قانونگذار به رویکردها و معیارهای مبتنی بر حقوق بشر «از جمله اصول مندرج در پیمان‌نامه حقوق کودک» در تمام روند قانونگذاری خود پایبند باشد تا از این طریق بتواند سیاست‌های قانونی خود را در راستای حمایت‌های قانونی مؤثر و کارآمدی در الغای فرهنگ عاری از خشونت نسبت به این قشر آسیب‌پذیر در محیط‌های آموزشی سوق دهد.

ـ کمیته‌ای در مجلس به منظور مطالعه و تحقیق در زمینه اشکال خشونت علیه کودکان در مدارس و میزان مشارکت دانش‌آموزان در سازمان‌دهی و مدیریت مدارس از قبیل خط مشی‌های در حال تدوین در مورد تأدیب و پیشگیری از خشونت تشکیل نمایند.



[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

**۲-۴- آموزش و حمایت از کارکنان در محیط‌های آموزشی:** در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، مدرسه به عنوان یک محیط ایده‌آل برای فعالیت‌های ارتقای سلامت محسوب می‌شود. در چنین محیطی علاوه بر ساختار و منابع آن، کارکنان این محیط آموزشی به عنوان مهم‌ترین عامل در جهت ارتقای سلامت جسمی و روانی کودکان نقش به سزایی را ایفا می‌کنند. امروزه در جهان حدود ۴۳ میلیون معلم در مقاطع ابتدایی و متوسطه در مدارس وجود دارند و علاوه بر آن تعداد نامعلومی از معلمان که در دوره‌های پیش‌دبستانی و سایر موقعیت‌های آموزشی مشغول به کار بوده و توان بالقوه این افراد به عنوان الگوهایی برای کودکان بسیار حائز اهمیت می‌باشد (۳۱)، چراکه معلمان و مربیان آموزشی به عنوان کارکنان و افراد دخیل در محیط‌های آموزشی از جمله مهم‌ترین دست‌اندرکاران ایجاد تحول و توسعه اجتماعی در هر کشوری بوده و همواره این معلمان و مربیان آموزشی هستند که در رشد عاطفی و روانی کودکان نقش مهمی ایفا می‌کنند. از این رو کارکنان محیط‌های آموزشی می‌توانند الگوهای رفتاری عاری از خشونت ارائه نمایند.

در جهت تحقق حمایت هرچه مؤثر در پیشگیری و مقابله با خشونت در محیط‌های آموزشی علاوه بر آموزش کارکنان محیط‌های آموزشی در دوره‌های ضمن خدمت، حمایت‌های مالی و اقتصادی از آنان می‌توان میزان خشونت در مدارس و سایر محیط‌های آموزشی را کاهش داد. گزارش ویژه خشونت علیه کودکان حاکی این نکته می‌باشد که حقوق‌های پایین، عدم ارائه امکانات کافی به آنان و حجم کاری بالا در قبول مسؤولیت بیشتر خود عاملی در جهت گسترش خشونت علیه کودکان در چنین محیط‌هایی می‌باشد (۲۱). بنابراین با ارائه الگو و برنامه‌ای جامع در این زمینه می‌توان از کارکنان محیط‌های آموزشی به طور قابل توجهی حمایت نمود و در روند اجرایی چنین راه‌کاری بر حمایت‌های هرچه بیشتر از کارکنان پیشنهاد می‌گردد:

ـ برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های افزایش مهارت‌های آموزشی در جهت مقابله با پدیده خشونت در محیط‌های آموزشی بر اساس رویکردها و مفاهیم آموزش حقوق بشر و حقوق کودک.

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

ـ تدوین دستورالعمل‌ها و جزوات آموزشی برای معلمین و مربیان مبتنی بر اصول و معیارهای حقوق بشر، بارویکردی خاص نسبت به حقوق کودک.

ـ ارائه خدمات در تمام زمینه‌های آموزشی، اقتصادی و فرهنگی در طول خدمت و بعد از اتمام خدمت از طریق ایجاد سیستمی نظام‌مند و متمرکز از سوی وزارت آموزش و پرورش.

**۳-۴- بازنگری در برنامه درسی محیط‌های آموزشی:** در تمام نظام‌های آموزشی مفاهیمی همچون برابری، عدم تبعیض، عدالت، صلح و عملکردهای عاری از خشونت به عنوان نمونه‌هایی از اصول حقوق بشر و مهارت‌های روزمره‌ای که با چنین اصولی در ارتباط هستند، می‌توان از طریق برنامه‌های درسی به کودکان آموزش داده شود، چراکه بدون شک با ارائه محتوا و برنامه‌های درسی مبتنی بر چنین اصول و معیارهای حقوق بشری می‌توان از بروز پرخاشگری کودکان علیه یکدیگر به عنوان مصداقی از خشونت علیه کودکان در چنین محیط‌هایی جلوگیری نمود.

بنا به توصیه کمیته حقوق کودک در نظریه تفسیری خود، دولت‌ها در چنین تعهداتی باید برنامه‌ها و کتب درسی را مورد بازبینی قرار داده و در کنار محتوای علمی آن‌ها محتوای آموزش حقوق بشر را هم لحاظ نماید (۱۸).

در تحقیقاتی از سوی ایالات متحده در این زمینه، با ارائه سه مجموعه از برنامه‌های درسی که توسط یک سازمان غیر دولتی به نام «Commite For Children» با اهدافی، همچون احترام‌گذاشتن و افزایش دانش و مهارت‌های لازم جهت پیشگیری از زورگویی، آزار و اذیت، سوءاستفاده جنسی و سایر انواع خشونت در میان کودکان تدوین شده بود. در واقع این مجموعه کودکان را در دفاع از خود، صحبت‌کردن به جای دعوا و کاهش هر گونه خشونت از سوی آنان کمک می‌نمود (۳۲). همچنین در مورد خشونت علیه کودکان اقلیت بر مبنای تبعیض نژادی در کلاس‌های درس کمیسون اروپایی منع تبعیض نژادی در مدارس، بر بازنگری در کتب درسی کودکان و حذف مطالب درسی در جهت تبعیض نژادی را از دولت‌ها خود خواستار شده است (۳۱).



[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

بنابراین با وجود چنین ره‌یافت‌ها و تجربیات سایر کشورها در عرصه بین‌الملل بدون شک وجود چنین محتوای درسی در ایران خالی می‌باشد و صرفاً تدوین‌کنندگان کتب درسی به محتوای علمی، اجتماعی و دینی آن توجه نموده‌اند. حال با وجود چنین راه‌کاری در عرصه داخلی می‌توان با تدوین کتب و برنامه‌های درسی، رفتار انسانی سازنده و نحوه تعامل کودکان با همسالان خود و سایر ارزش‌ها و معیارهای انسان‌دوستانه بر مبنای حقوق بشر را آموزش داده تا از این طریق کودکان بتوانند از خودشان در برابر آسیب‌ها و خشونت‌های ناشی از آن محافظت نموده و با حذف مفاهیم خشونت‌آمیز و تلفیق چنین محتوای آموزشی با مفاهیم و آموزه‌های حقوق بشری در کتب درسی، بتوان روحیه صلح، مدارا و دوستی را که هدف اولیه آموزش و پروش می‌باشد را در نظام آموزشی کشور به ارمغان آورد. علاوه بر چنین نتایج اثربخشی با چنین اقدامی می‌توان کودکان را نسبت به حقوق آنان در قبال همسالان خود در تمام عرصه‌های اجتماعی به ویژه در محیط‌های جمعی همچون محیط‌های آموزشی آشنا نموده و با «فرهنگ خشونت» در چنین محیط‌هایی به مقابله برخواسته و اثر چنین اقدامی در آینده تربیت و پرورش کودکانی با تفکری عاری از هر گونه خشونت و به طور غیر مستقیم افراد دخیل در آموزش همچون معلمان و مربیان خواهد بود. لازم به ذکر است در راستای تحقق چنین اقدامی نیاز به حمایت قانونگذار در اتخاذ سیاست‌های قانونی نسبت به بازبینی و تجدید نظر در محتوای درسی آموزش کودکان می‌باشد.

**۴-۴- اصلاح روش‌های تدریس در محیط‌های آموزشی:** از عمده راه‌کارها در کاهش خشونت علیه کودکان در محیط‌های آموزشی اصلاح روش و شیوه‌های تدریس معلمین و مربیان آموزشی می‌باشد، چراکه نحوه ارائه و بیان مفاهیم آموزشی از سوی آنان تأثیر به سزایی در ایجاد محیطی عاری از خشونت در آموزش کودکان خواهد داشت. در بسیاری از موارد معلمین و مربیان سعی داشته با ادای حالت‌ها و لحن بیانی تند و خشن مفاهیم درسی را با این عقیده که در فراگیری بهتر کودکان تأثیر گذاشته، به آنان آموزش دهند.



[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

در نظریه تفسیری شماره ۱۵ کمیته حقوق کودک «فنلاند» به این نکته اشاره شده است که روش‌های تدریس در مدارس باید الغاکننده اصول رفتاری [اخلاقی] و شیوه‌های تدریس حاوی استانداردها و ارزش‌های حقوق بشری باشد (۳۳).

از این رو وجود چنین شیوه‌هایی نمایانگر خشونت روانی و عاطفی علیه کودکان در محیط‌های آموزشی بوده و نیاز است تا با آموزش معلمین و مربیان در تمام سطوح آموزشی از طریق آموزش‌های قبل از خدمت و همچنین آموزش‌های تخصصی با به کارگیری افراد روانشناس در این حوزه بتوان نحوه تدریس معلمین در مدارس و مربیان آموزشی در مهدهای کودک را اصلاح نموده، چه بسا از این طریق شاهد کاهش میزان تنبیه و رفتارهای خشونت‌آمیز در چنین محیط‌هایی باشیم.



**۵-۴- ایجاد فضاهایی امن و دلپذیر در محیط‌های آموزشی:** از دیگر راه‌کارهای پیشگیری و مقابله با خشونت علیه کودکان در محیط‌های آموزشی توجه به فضا و محیط آموزش کودکان می‌باشد. در نگاه نخست شاید این موضوع چندان اهمیت خاصی نداشته باشد، ولیکن باید توجه نمود که فضا و محیطی که کودکان در آن تربیت، آموزش و پرورش می‌یابند، رابطه مستقیمی با خشونت در چنین محیط‌هایی دارد، چراکه ظاهر فضای حاکم بر آموزش کودکان تأثیر به سزایی در ایجاد انگیزه، اشتیاق و الغای دیدگاه مثبت آنان نسبت به یادگیری مباحث آموزشی و حتی ذهنیت و روحیات رفتاری کارکنان در چنین محیط‌هایی خواهد داشت.

در روند اجرانمودن چنین راه‌کاری صرفاً نباید بر طراحی، رنگ‌آمیزی و نحوه دکوراسیون و چیدمان در محیط‌های آموزشی متمرکز بود. در بعضی از مدارس وجود فضاهای خالی و خصوصی می‌تواند به عنوان یک محیط ناامن تلقی شود. در تأیید اهمیت و توجه به چنین راه‌کاری می‌توان به مطالعه‌ای که در یکی از دبیرستان‌های آفریقای جنوبی انجام شده بود، اشاره نمود که «در این تحقیق مشخص شد که فضاهای مختلف در این مدارس به شدت بین جنسیت‌ها تقسیم شده است، به این صورت که پسران فضاهای خصوصی بسیاری داشتند و به [محیطی برای بروز خشونت توسط یکدیگر] مبدل گشته بود» (۳۴).

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

بنابراین با وجود کلیاتی در رابطه با چنین راه‌کاری، در نظام آموزشی حاکم بر ایران، مدارس دولتی به نسبت مدارس خصوصی از نظر فضای آموزشی از وضعیت ظاهری مناسبی برخوردار نبوده و بر این اساس توصیه می‌شود با به کارگیری طرح و ساختار شکلی مناسب در مدارس و همچنین ایمن‌سازی محیط بازی کودکان در مهدهای کودک بتوان اقدام حمایتی مؤثری در بهبود فضای آموزشی عاری از خشونت صورت پذیرد، اگرچه اجرایی‌نمودن چنین توصیه‌ای منابع مالی قابل توجهی را از سوی دولت می‌طلبد، ولیکن با وجود تدابیر و اقدامات ساده و ابتدایی به همراه مشارکت کودکان و کارکنان در مدارس و سایر محیط‌های آموزشی می‌توان چنین فضای مناسبی را برای کودکان فراهم نمود. به عنوان مثال «در مناطق روستایی هندوستان که سطح درآمد پایین است، کارکنان و دانش‌آموزان با کمک یکدیگر دکوراسیون کلاس‌های درس را تغییر داده و با استفاده از ساده‌ترین و ابدایی‌ترین وسایل در دسترس در مدارس باغچه‌هایی را ایجاد کرده‌اند» (۲۱).

**۶-۴- به کارگیری تربیت و اعمال انضباط سازنده بر کودکان در محیط‌های آموزشی:** تربیت و اعمال انضباط در مدارس به عنوان دو رکن اساسی و بنیادین در رویکردهای آموزشی مدارس و سایر محیط‌های آموزشی ایفای نقش می‌نماید. از این رو باید چنین رویکردهایی بر مبنای الگوهای مثبت و راهبری‌های روشن و به طور سازنده صورت پذیرد.

در مطالعات و پژوهش‌های اخیر نسبت به نظام‌های تربیتی و انضباطی این نتیجه حاصل شده است که تمایزی میان نظام‌های انضباطی وجود دارد. نظام‌های انضباطی به دو صورت «فعال مثبت و عکس‌العملی» در نظر گرفته شده است. در آن دسته از نظام‌هایی که فعال مثبت هستند، بر «پیشگیری» تأکید کرده و بر چارچوب و بستری قانونی، سیاست‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی روشن استوار است. در نظام‌های عکس‌العملی بر «عدم تحمل مطلق و اعمال تنبیهات سخت» استوار بوده و به طور معمول حمایت‌های ناچیزی به کودکان ارائه می‌شود (۳۲).

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

بنابراین با ایجاد نظام انضباطی «فعال مثبت» در تمام سیستم آموزشی کشور به طور متمرکز بر اساس یک نظام واحد و سازمان‌یافته‌ای می‌توان با اعمال انضباط عادلانه و مناسب در محیط‌های آموزشی از بروز خشونت توسط معلمان و مربیان مقابله نموده و بدون توسل به تنبیه و هر گونه مجازاتی نظم و انضباط را در نظام آموزشی برقرار و رفتارهای کودکان را اصلاح نمود. بر این اساس در راستای تضمین چنین تربیت و انضباطی عاری از خشونت در نظام آموزشی پیشنهاد می‌شود:

ـ تدوین مقررات و آیین‌نامه‌های سازمانی از سوی وزارت آموزش و پرورش با محوریت احترام به شخصیت و صیانت از کرامت انسانی کودکان به عنوان مبنای حقوق بشر و حمایت از حقوق کودک در اعمال شیوه‌های رفتاری در برقراری نظم و انضباط در سرتاسر محیط‌های آموزشی کشور.

ـ استفاده از شیوه‌های تشویق‌محور در مواجه با بی‌نظمی کودکان در جهت اصلاح رفتار آنان.

ـ جذب معلمان و مربیان جوان بر اساس تغییذ قوانین استخدامی با پایین‌آوردن سن استخدام در آموزش و پرورش در عرصه آموزشی که از توان تصمیم‌گیری و کنترل خشم بیشتری برخوردار هستند.



**۵ـ راه‌کارهای مشارکت‌محور در ایجاد فضای آموزش عاری از خشونت**

**۱-۵- مشارکت کودکان:** سهیم و دخیل‌نمودن کودکان در تدوین و اجرای برنامه‌هایی در جهت ایمن‌سازی کلاس‌های درس و ایجاد محیط آموزشی عاری از هر گونه خشونت بسیار مؤثر و حائز اهمیت می‌باشد. در بسیاری از مطالعات و تحقیقات انجام‌شده نسبت به چنین راه‌کاری حاکی از نتایج اثربخش آن می‌باشد. به عنوان نمونه نتایج مطالعه‌ای که توسط بخش «World Wision» انجام شده، حاکی از آن است در جوامعی که در آن‌ها کودکان در مباحث‌ها و فعالیت‌های مربوط به مسأله خشونت مشارکت می‌کنند، احتمال دستیابی به راه‌کارهایی در پیشگیری و مقابله با این پدیده بیشتر از سایر مدارس دیگر می‌باشد) (۲۱). همچنین در مطالعات و پژوهش‌های

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

انجام‌شده در ایالات متحده آمریکا نشان‌دهنده این است که بهترین طرح‌ها و برنامه‌ها آن‌هایی هستند که در آن دانش‌آموزان و معلمان با هم در زمینه تدوین و اجرای راه‌کارهایی برای ایمن‌ترکردن محیط مدرسه برای همه همکاری می‌کنند. به عنوان مثال، در موقعیت‌هایی که دانش‌آموزان و معلمان با هم در زمینه تدوین و ارزیابی روش‌های مناسب میانجی‌گری و مشاوره همکاری می‌کنند، انجام چنین عملی از سوی همسالان بسیار مؤثرتر است (۳۵).

در کشور زامبیا با استفاده از این راه‌کار، انجمن آموزش مدنی زامبیا (ZCEA) که در جهت پیشبرد و ترویج حمایت از حقوق کودکان فعالیت می‌کند، از طریق برنامه مشارکت کودکان در باشگاه‌های حقوق کودک موجبات افزایش دانش حقوقی آن‌ها را طبق پیمان‌نامه حقوق کودک فراهم می‌نماید. در سراسر زامبیا حداقل ۳۰۰ باشگاه حقوق کودک در مدارس مقاطع ابتدایی و متوسطه فعالیت می‌کند. بدون شک چنین اقدامی می‌تواند موجب افزایش دانش کودکان نسبت به حق حمایت و حفاظت از آنان در برابر اشکال خشونت در محیط‌های آموزشی خواهد بود (۳۶).

بنابراین در نظام آموزشی کشور در به کارگیری اندیشه و نحوه تفکر کودکان نسبت به بروز خشونت در مدارس و سایر محیط‌های آموزشی می‌توان با ایجاد گروه‌هایی در قالب انجمن‌های سازمان‌یافته دانش‌آموزشی بتوان تصویر جامعی از رویکردهای فکری آنان در این زمینه به عنوان راه‌کارهایی در پیشگیری و جلوگیری از این پدیده به دست آورده و با ارائه چنین اطلاعاتی در اختیار کارکنان محیط‌های آموزشی بتوان تدابیر و اقدامات مؤثر و مفیدی را اتخاذ نمود، چراکه کودکان با انجام چنین عملی می‌توانند احساسات و ناراحتی‌های خود را در چنین مواردی بازگو نموده و کارکنان «معلمان، مربیان» با فراگیری از اندیشه‌های آنان بتوانند در روند نگرش فکری و رفتاری خود تغییری حاصل نمایند.

**۲-۵- مشارکت مدارس با والدین و جوامع محلی:** سهیم‌نمودن والدین و جوامع محلی در امور مدارس و محیط‌های آموزشی می‌تواند حاکی از مشارکت والدین به طور غیر مستقیم در روند تعلیم و تربیت فرزندان خود تلقی شود، اگرچه در مدت



[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

مدیدی چنین مشارکت‌هایی در مدارس در قالب «انجمن اولیا و مربیان» وجود داشته و با چنین محوریتی نسبت به برنامه‌ها آموزشی و پرورشی چنین محیط‌هایی نظارت دارد، ولیکن چنین مشارکتی در روند نحوه برخورد و مقابله با بدرفتاری و بروز خشونت در مدارس چه از سوی معلمین و کارکنان آموزشی و چه از سوی کودکان نسبت به همسالان خود صورت نگرفته است و صرفاً در مورد بهترشدن وضعیت علمی دانش‌آموزان اقداماتی صورت پذیرفته است. با این وجود با استفاده از ظرفیت‌های چنین انجمن‌هایی می‌توان در پیشگیری و مقابله با خشونت علیه کودکان در راستای حمایت هرچه بیشتر از کودکان در مدارس و سایر محیط‌های آموزشی بهره گرفت.

با توجه به سایر نظام‌های آموزشی در عرصه بین‌الملل همچون: «در آمریکای شمالی انجمن‌های اولیا و مربیان سابقه بسیار طولانی داشته و این انجمن‌ها در هر مدرسه دولتی یک شعبه خاص دارد. از طریق چنین انجمن‌هایی والدین حق پایش در مدارس و در صورت لزوم انجام مداخلات را دارند، حتی در ایالات متحده آمریکا با وجود نگرانی‌هایی در زمینه خشونت در مدارس، چنین انجمن‌هایی در قالب همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد «NGO» دولتی و غیر دولتی در این زمینه مشغول به همکاری هستند.»

بنابراین تعامل سازنده میان والدین و محیط‌های آموزشی در قالب انجمن‌های سازمان‌یافته به عنوان نقش مکمل والدین و غیر مستقیم آنان در تربیت و پرورش کودکان به شمار آمده و همچنین در ایجاد نگرش‌های مثبت در اعمال رفتارهای تربیتی مناسب کودکان نقش مثبتی ایفا نمایند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود در مدارس این چنین انجمن‌هایی در قالب تخصصی با محوریت مقابله با خشونت در محیط‌های آموزشی تشکیل گردد تا از این طریق بتوان بر رفتارهای کارکنان مدارس نظارت داشت. جهت تضمین چنین اقداماتی به عنوان یک مکانیسم و ساز و کار اجرایی توسط دولت توصیه می‌گردد:

ـ مجالس قانونگذاری چنین عملی را در تمام محیط‌های آموزشی به صورت قانونمند هدایت نماید.



[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

ـ به کارگیری حمایت‌های مؤثر از سوی دولت‌ها در تعامل چنین انجمن‌هایی با سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی مرتبط همچون سازمان بهزیستی و سایر مراکز و مؤسسات مطالعاتی.

ـ فراهم‌نمودن زمینه‌های شکل‌گیری و به ویژه تهیه امکانات و تزریق منابع مالی لازم از سوی وزارت آموزش و پروش جهت استمرار و ثبات چنین انجمن‌هایی در تمام مدارس دولتی و خصوصی کشور.

**۳-۵- اقدامات اجرایی و مشارکت‌جویانه با سایر سازمان‌های داخلی و بین‌المللی:** وزارت آموزش و پرورش با توجه به گستردگی خشونت در محیط‌های آموزشی می‌تواند در جهت افزایش حمایت‌های مالی همچون تعیین منابع و بودجه مورد نیاز و حسب مورد تأمین نیروی مجرب و متخصص در این امر در راستای مقابله با خشونت با سازمان و ارگان‌های ذی‌ربط همچون سازمان بهزیستی، وزارت دادگستری مشارکت و همکاری نموده و در جهت تأثیرپذیری هرچه بهتر از این اقدامات مشارکت‌جویانه خود با سازمان‌های بین‌المللی مرتبط همچون صندوق حمایت از کودکان «یونیسف» مشارکت فعالانه‌ای در جهت حفاظت و حمایت از کودکان در محیط‌های آموزشی به عمل آورد، چراکه بدون شک یونیسف به عنوان سازمانی حمایت‌کننده از کودکان، کشورهای سراسر دنیا را در پیشگیری از خشونت علیه کودکان یاری می‌رساند. این یاری رسانی، مبتنی بر مأموریت اصلی و ویژه این سازمان در راستای حمایت از کشورها و جوامع در تحقق حقوق کودکان بوده و «در ایران یونیسف با همکاری دولت از سال ۲۰۰۵ مسأله خشونت علیه کودکان را مورد توجه قرار داده است» (۳۷). بنابراین با وجود چنین رویکرد حمایت‌محور از سوی این سازمان بین‌المللی در ایران، توصیه می‌شود سازمانه‌ها و نهادهای ملی مذکور نهایت همکاری و اقدامات مشارکت‌جویانه خود را در جهت حمایت و ارائه خدمات بهتری برای کودکان نسبت به پیشگیری و مقابله با این پدیده با این سازمان به عمل آورند.



[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

**۶ـ راه‌کارهای نظارتی و پژوهش‌محور در محیط‌های آموزشی**

**۱-۶- اقدامات نظارتی و گزارش‌دهی:** اقدامات نظارتی بر نحوه آموزش و نحوه برخورد و رفتار با کودکان در محیط‌های آموزشی می‌تواند از دو طریق صورت پذیرد:

ـ ایجاد و نصب سامانه‌های خط تلفن کودک در مدارس و مهدهای کودک به عنوان راه‌کاری مناسب نسبت به حمایت، ارائه خدمات مراقبتی، بهداشتی در کم‌ترین زمان ممکن، توسط کودکان و حتی سایر کارمندان محیط‌های آموزشی محسوب گردد. همچنین با تعبیه صندوق شکایات از سوی قوه قضاییه مخصوص کودکان در چنین محیط‌هایی می‌توان به طور محرمانه مسائل بروز خشونت علیه کودکان را مورد بررسی قرار داده و از سویی دیگر بتوان در جهت تحقق عدالت اجتماعی نسبت به کودکان افراد خاطی و مسؤول را مورد شناسایی و محاکمه قرار داد.

**۲-۶- تشکیل شورای انضباطی در مدارس:** چنین اقدامی در ابتدا در خاورمیانه به صورت متمرکز توسط دولت الجزایر در مدارس به عنوان راه‌کاری مناسب در جلوگیری از بروز این پدیده در مدارس به کار گرفته شد. بر این اساس با توجه به تنبیه و مجازات کودکان در مدارس که به طور عمده از طریق برقراری نظم و انضباط صورت می‌پذیرد، با همکاری وزارت آموزش و پرورش نسبت به تشکیل شورای انضباطی در قالب آیین‌نامه اجرایی در سراسر مراکز آموزشی می‌توان از اعمال هر گونه مجازات از سوی معلمین و مربیان به صورت مستقل و خودسرانه خودداری نمود. با این توضیح که این شورا متشکل از مدیر مدرسه، یک نماینده از معلمان، یک نماینده از دانش‌آموزان و حتی نماینده‌ای از خانواده‌های کودکان، بتواند اقدامات اصلاح‌طلبانه‌ای را به جای اقدامات تنبیهی از سوی مدارس به صورت مستقل به کار گرفته و بر رفتار و اعمال کارکنان محیط‌های آموزشی نظارت مستمر داشته باشند.

**۳-۶- پژوهش و ارزشیابی:** در کلیه نظام‌های آموزشی ایده‌آل ایجاد ساز و کارهایی برای پژوهش و گردآوری اطلاعات در زمینه وضعیت حاکم بر مدارس و محیط‌های آموزشی می‌تواند فرصت‌هایی را برای ارزشیابی رفتارها و نحوه برخورد با



[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

کودکان و همچنین تخمین‌های تقریبی در زمینه شیوع اشکال مختلف خشونت و حمایت‌های مؤثر از کودکان در برابر آن قرار دهد. چنین عملی به طور از طریق بازرسی‌های منظم از سوی مراجع حقوقی در مدارس و سایر محیط‌های آموزشی صورت می‌پذیرد، اگرچه اطلاعات به دست‌آمده دارای کمیت و کیفیت متنوعی بوده و نمی‌توان بر صحت و سقم آن اطمینان نمود.

به گزارش گزارشگر خشونت علیه کودکان از جمله دلایل چنین بی‌اعتمادی را عدم آگاهی و کم‌تجربگی کارکنان محیط‌های آموزشی در زمینه گردآوری، تجزیه تحلیل و پردازش اطلاعات واصله می‌داند. حتی چنین عاملی نسبت به مقامات آموزشی هم صدق کرده و نیاز است تا استانداردهای پذیرفته‌شده، تعریف و طبقه‌بندی انواع مختلف خشونت مورد شناسایی قرار بگیرد (۲۱).

از جمله ابزارهایی که بیش از سایر ابزارهای داده‌های جهانی و ملی در زمینه پژوهش و ارزشیابی اطلاعات حاصل از بروز خشونت در محیط‌های آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرد، عبارتند از:

ـ «GSHS: Global School-Based Student Health Survey» یا همان «بررسی جهانی سلامت دانش‌آموزان مدارس» که از این طریق عوامل خطرزا رفتاری را در بین کودکان مورد شناسایی قرار می‌گیرد. این روش نسبتاً کم‌هزینه و از طریق پرسشنامه صورت پذیرفته و به صورت روزافزون در کشورهای در حال توسعه به کار گرفته می‌شود؛

ـ مطالعه «HBSC: Health Behaviour in School-Aged Children» به عبارتی دیگر «بررسی رفتارهای بهداشتی دانش‌آموزان در مدرسه از سنین کودکی» که در این روش کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته از آن بهره گرفته و از آن اطلاعاتی در مورد سلامت، رفاه و محیط اجتماعی و رفتارهای بهداشتی کودکان در مدارس به دست می‌آورند (۳۸).

بنابراین توصیه می‌شود در محیط‌های آموزشی کشور، در جهت بهره‌برداری از چنین راه‌کاری، دولت با ارائه دستور کار کلی برای پژوهش در زمینه خشونت علیه



[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

کودکان در محیط‌های آموزشی را از طریق بازرسی‌های مستمر و تقویت سامانه‌های گردآوری اطلاعات از تمامی مدارس دولتی و خصوصی و به طور ویژه از مهدهای کودک بتواند نظرات و اطلاعات کودکان و حتی معلمان و مربیان را به طور متمرکز به دست آورده و بر سرتاسر محیط‌های آموزشی اشراف اطلاعاتی پیدا نماید تا عوامل خطرزا و حمایتی را آشکار و در جهت مقابله با آن اقدامات مقتضی را برنامه‌ریزی نماید، چراکه بی‌تردید شناسایی چنین عوامل خطرزایی در محیط‌های آموزشی لازمه به کارگیری سیاست‌ها و اقدامات قانونی مؤثری از سوی قانونگذار در مقابله با این پدیده می‌باشد.

## نتیجه‌گیری



با توجه به اهمیت حیاتی آموزش و پرورش در توسعه جوامع انسانی و رشد و تعالی کودکان به عنوان حقی اساسی بر آن است تا زمینه پرورش تفکر، استعداد، مهارت‌های فردی و اجتماعی را برای کودکان فراهم نماید. بی‌تردید مدارس و محیط‌های آموزشی در راستای تحقق تربیت و آموزش کودکان نقش مؤثری ایفا می‌کنند. از این رو لازمه تحقق چنین حق اساسی برای کودکان، فراهم‌آوردن محیطی امن و عاری از هر گونه خشونتی می‌باشد که با وجود رفتارهای خشن و بی‌رحمانه‌ای علیه کودکان، نیازمند حمایت از این اقشار ناتوان و ریشه‌کن‌نمودن خشونت در محیط‌های آموزشی در راستای تلاشی در جهت احترام به حداقل حقوق آنان خواهد بود. بر این اساس از جمله حمایت‌های مؤثر در راستای حمایت از کودکان می‌توان به راه‌کارهای قانونگذاری و تدوین سیاست‌های قانونی، آموزش و حمایت از کارکنان در محیط‌های آموزشی، بازنگری در برنامه‌های درسی، اصلاح روش‌های تدریس، ایجاد محیط امن آموزشی، به کارگیری تربیت و اعمال انضباط سازنده بر کودکان در محیط‌های آموزشی و همچنین راه‌کارهای مشارکت محور از طریق دخالت کودکان، اولیا، مربیان و سازمان‌های داخلی و بین‌المللی در ایجاد فضای آموزشی عاری از خشونت و اقدامات نظارتی بر نحوه آموزش و نحوه برخورد و رفتار با کودکان مورد اشاره قرار داد.

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

در نهایت با تبیین و ارائه راه‌کارهایی در حمایت از کودکان در برابر هر گونه رفتارهای خشونت‌آمیزی، به نظر می‌رسد با توجه به کاستی‌ها و وضعیت نظام حقوقی حاکم بر آموزش و پرورش بر مبنای اصول و معیارهای حقوق کودک و رویکردهای نوین حقوق بشر در عرصه آموزش، به کارگیری سیاست‌های قانونگذاری و لوایح قانونی مبتنی بر حقوق بشر در راستای جرم‌انگاری و ممنوعیت هر گونه تنبیه و مجازات کودکان و تدوین مجموعه قواعد رفتاری بر مبنای کرامت انسانی، در حمایت از کودکان در برابر چنین خشونت‌هایی نقش مؤثری ایفا کند. بی‌تردید با تبیین رویکردهای قانونی و قانونگذاری می‌توان الزاماتی همراه با اعمال ضمانت اجرا و تنبیهات انضباطی، به طور خاص تنبیهات بدنی و رفتارهای تحقیرآمیز در مدارس را منطبق بر قانون ممنوع اعلام کرد و لازمه چنین حمایتی رعایت حساسیت‌های مربوز به نیازهای خاص کودکان در عرصه قانونگذاری و ارائه برنامه‌های پیشگیری از خشونت در موقعیت‌های آموزشی برای کلیه کارکنان و دانش‌آموزان خواهد بود.



[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

**References**

1. Meghdadi MM. Protecting Children Against Violence, A Collection of Children's Rights Articles (A Comparative Study of Islam and International Documents). Qom: Mofid University Press; 2014.

2. National Committee on Violence. Instructions for Australia. Australia: National Violence Committee of the Canadian Institute of Criminology; 1990.

3. Asadi LS. Investigating the concept of a child with an approach to the criminal field. Calligraphy of Sadegh 2007; 24(45-46): 34-58.

4. Peyvandy GH-R. Child rights. Tehran: Organization for Research in Islamic Culture and Thought; 2011.

5. Ibn Babuyeh A. Ibn Babuyyah Fatawa Collection. Qom: No Name; No Date.

6. Council of Europe Special Rapporteur on Human Rights and Special Representative of the Secretary-General of the United Nations. Child Violence Case Report. New York: United Nations; 2011.

7. United Nations. Annual Report on Children's Rights Studies. New York: United Nations; 2006.

8. UNICEF. Children and violence. Inchonii Magazine 1997; 22(2): 1-22.

9. United Nations. Convention on the Rights of the Child Public Comment No.13. New York: United Nations; 1989.

10. Alhar al-Ameli M. Shia fixtures. Beirut: Al-Arabiya Darahiyah; 1416.

11. Karimi Jahromi A. Al-Dura'im al-Mudood in the decrees of al-Hudud. Qom: Holy Qur'an Publishers; 1414. Vol.2.

12. Al-Majlesi MB. Bihar. Tehran: Al-Maktabi al-Islamiyyah; No Date.

13. Alhely J. Al-Qadr al-Fitr in the description of al-Muqtasir. Qom: Seyyed al-Shohada Institute; 1364.

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

14. Gholami Tazeh Ghaleh T. Oneness. Physical punishment of children in jurisprudential teachings of domestic law and international documents. Jurisprudence and Islamic Law Research 2012; 39(12-13): 107-120.

15. United Nations. Committee on the Rights of the Child Public Comment No.8. New York: United Nations; 2008.

16. Khoshbakht F. Conceptual Model of Elements and Dimensions of Physical Punishment Based on Internal and External Studies. Journal of Humanities of Mofid University 2012; 1(13): 7-13.

17. Etienne J, Krug L, Sweetheart JA, Bay A. Zie and Raphael Lausanne. World Report on Violence and Health. Geneva: World Health Organization; 2002.

18. Hodgkin R, Newell P. Handbook of Implementation of the Convention on the Rights of the Child: United Nations Children's Fund. New York: UNICEF; 2007.

19. Iravaniyan A. Child abuse from cause to response. Tehran: Khorsandi Publications; 2009.

20. Imani M. Bullying at school and the role of parents and educators in dealing with it. Journal of Transplantation 2004; 296(1): 14-19.

21. Paulo Sergio P. World Report on Violence Against Children. Paris: UNICEF; 2006.

22. Bassami M. The Concept of Weapons in Jurisprudence and Criminal Law of Iran. Iranian Journal of Hearing 1394; 112(1): 56-63.

23. Mir Mohammad Sadeghi H. Crimes against public safety and security. Tehran: Publication Mizan; 2007.

24. Naseh Alvan A. Education of al-Awlad fi al-Islam. Beirut: Dar es Salaam; 1406.

25. Sheikh Tusi M. Al-Amamieh's jurisprudence. Tehran: Mortazavi Publications;1999.



[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

26. Husseinkhah SJ. Punishing Children in the International System of Human Rights and the Jurisprudence of Imamieh. Qom: Jurisprudence Center of Imams (AS); 2008.

27. Ansari GH. Ta'zir from the perspective of jurisprudence and law. Qom: Institute of Islamic Sciences and Culture; 2006.

28. Elderbill A. Al-Fayedee Assembly of Valbaran. Qom: Al-Nusra al-Islam Institute; 1416.

29. Lankarani MF. Detailed al-Shariah Description of Tahrir al-Wasilah, the Book of Al-Hudud. Qom: Jurisprudence Center of Imams (AS); 1422.

30. Al-Maqrizi A. Amta-al-asma. Beirut: Dar al-Katib al-Umayyah; 1420.

31. UNESCO. New tools for effective school health. New York: No Name; 2004.

32. Grossman DC. The effectiveness of violence prevention curriculum in primary school children. Journal of the American Medical Association 1997; 277(20): 1605-1611.

33. United Nations Committee on the Rights of the Child Public Opinion No.15. Finland: United Nations; 2005.

34. Count A. A Survey of Space and Sexual Relations in a Durban High School. Project Magazine 2004; 54(1): 59-75.

35. Green M. Reduce violence and aggression in schools. Sage Magazine 2005; 6(3): 236-256.

36. Chigonta F. Project Evaluation Report for Children's Rights Clubs in Zambia, Lusaka, Sweden. Chicago: UNICEF; 2005.

37. Folkman Salazar C. Violence against children. Journal of Human Rights of Mofid University 2007; 4(2): 27-34.

38. Corey C. International Report on Child Health Behaviors in School 2001 and 2002. Europe: World Health Organization; 2004.



[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]